

ارائه شده توسط

لینگو لرن | Lingo Learn

برترین ارائه دهنده خدمات کمک آموزشی کانون زبان شامل: سوال و
سامری، دیکشنری کانون، آموزش های رایگان و کاربردی و...

 LingoLearn_official

 LingoLearn

{هرگونه کپی برداری بدون ذکر نام صاحب اثر شرعا و قانونا حرام و قابل پیگیری می باشد.}

Beyond Rivalry

فرا تراز رقابت

During childhood, sisters and brothers are a major part of each other's lives **for better or for worse**. As adults they may **drift apart** as they become involved in their careers, marriages and families. But much later in life, with retirement, an empty nest, and parents and sometimes spouses gone, brothers and sisters often turn back to each other for a special **affinity** and link to the past.

نمیدونم خوبه یا نه اما در دوران کودکی، خواهران و برادران بخشی مهم از زندگی همدیگر هستند. عنوان بزرگسال، به تدریج ممکن است وقتی که آنها درگیر کار، ازدواج و خانواده هایشان شوند رابطه شان کم رنگ بشود. اما خیلی بعدها در زندگی، با بازنشستگی، حس تنهایی با خالی شدن خانه، رفتن پدر و مادر و بعضی اوقات همسران، برادران و خواهران به خاطر یک وابستگی خاص و ارتباط با گذشته به سمت یکدیگر برمیگردند.

“In the stressful, fast-paced world we live in, the sibling relationship becomes for many the only **intimate** connection that seems to last,” says psychologist Michael Kahn of the University of Hartford. Friends and neighbors may move away, **former** co-workers are forgotten, marriages **break up**, but no matter what,

our sisters and brothers remain our sisters and brothers.

روانشناس مایکل کان از دانشگاه هارتفورد می گوید: "در دنیای پراسترس و زودگذری که ما در آن زندگی می کنیم رابطه ی خواهر و برادر برای بسیاری تنها رابطه ی صمیمی ای است که به نظر می رسد دوام دارد." دوستان و همسایگان ممکن است تغییر مکان بدهند ، همکاران سابق فراموش می شوند، ازدواج ها از هم می پاشد، اما مهم نیست چه شود، خواهران و برادران ما خواهران و برادرانمان باقی می مانند.

The late-life **bond** between siblings may be especially important to the “Baby Boom” generation now in adulthood, who average about two or three siblings **apiece**. High divorce rates and the decision by many couples to have only one or no children will force members of this generation to look to their brothers and sisters for support in old age.

این وابستگی و محبت بین خواهر و برادرها در اواخر عمر، ممکن است به ویژه برای نسل "فراوانی زاد و ولد" که در حال حاضر در بزرگسالی، حدود دو یا سه خواهر و برادر برای هر نفر دارند، مهم باشد. نرخ های بالای طلاق و تصمیم بسیاری از زوجین برای داشتن فقط یک یا هیچ فرزند، اعضای این نسل را مجبور خواهد کرد که به برادران و خواهران خود برای حمایت در دوران سالخوردگی توجه کنند.

And, as psychologist Deborah Gold of the Duke Center for the study of Aging and Human Development points out, "Since people are living longer and are healthier longer, they will be more capable of giving help."

و همان طوری که روانشناس دبورا گولد از مرکز دوک برای تحقیق پیرشدن و دگرگونی بشر اشاره می کند، "چون افراد عمر طولانی دارند و سالمترند آنها بیشتر قادر به کمک خواهند بود."

Critical events can bring siblings together or deepen an existing **rift**, according to a study by psychologists Helgola Ross and Joel Milgram of the University of Cincinnati. Parental sickness or death is a prime example. Ross and Milgram found that sibling immersed in rivalry and conflict were even more torn apart by the death or sickness of a parent. Those siblings who had been close since childhood became closer.

برطبق تحقیقی توسط روانشناسان هلگولا راس و جوئل میلگرام از دانشگاه سینسیناتی، حوادث بحرانی می توانند خواهران و برادران را دور هم جمع کند یا اختلاف موجود را بدتر کند. بیماری یا مرگ والدین مثالی عادی و معمولی است. راس و میلگرام متوجه شدند که خواهر و برادری که غرق در رقابت و درگیری باهم بودند، با مرگ و یا بیماری والدین حتی بیشتر با هم مشکل پیدا کردند. آن خواهران و برادرانی که از دوران کودکی بهم نزدیک بودند، بیشتر به هم نزدیک شدند.

In a study of older people with sisters and brothers, Gold found about 20 percent said they were either **hostile** or indifferent toward their siblings. Reasons for the rifts **ranged** from **inheritance disputes** to **animosity** between spouses. But many of those who had poor relationships felt guilt and remorse. A man who hadn't spoken with his sister in 20 years described their **estrangement** as a "**festering** sore."

خانم گولد در تحقیقی از افراد مسن تر با خواهران و برادران آنها فهمید، حدود ۲۰ درصد گفتند که نسبت به خواهران و برادران خود یا پرکینه یا بی تفاوت بودند. دلایل این اختلافات از مشاجره های

ارث و میراث تا خصومت میان همسران متغیر است. اما بسیاری از کسانی که روابط کمی باهم داشتند، احساس گناه و پشیمانی کردند. مردی که ۲۰ سال با خواهرش صحبت نکرده بود، جدایی خود را به عنوان یک "درد چرکین" توصیف کرد.

Although most people in Ross and Milgram's study admitted to some **lingering** rivalry, it was rarely strong enough to end the relationship. Only 4 out of the 55 people they interviewed had completely broken with their siblings and only 1 of the 4 felt comfortable with the break, leaving the researchers to ask, "Is it psychologically impossible to **disassociate** oneself from one's siblings in the way one can forget old friends or even former **mates**?"

اگرچه اکثر افراد در مطالعه راس و میلگرام به رقابت طولانی مدت اعتراف کردند، اما به ندرت آنقدر قوی بود که بتواند به این رابطه پایان دهد. فقط ۴ نفر از ۵۵ نفری که با آنها مصاحبه کردند به طور کامل با برادران و خواهران خود قطع ارتباط داشتند و فقط یک چهارم از این قطع ارتباط حس راحتی و آسایش می کردند، جا دارد محققان پرسند: "آیا از نظر روانی غیرممکن است به گونه ای که می توان دوستان قدیمی یا حتی همسران سابق را فراموش کرد، خود را از خواهر و برادر خود جدا کنیم؟"

As brothers and sisters **advance** into old age, "closeness increases and rivalry **diminishes**," explains Victor Cicirelli, a psychologist at Purdue University. Most of the elderly people he interviewed said they had supportive and **amicable** dealings and got along well or very well with their brothers and sisters. Only 4 percent got along poorly. Gold found that as people age, they often become more involved with and interested in their siblings.

ویکتور سیریکلی، روانشناس دانشگاه پردی، توضیح می دهد: همانطور که برادران و خواهران به تدریج به سن پیری می رسند، "نزدیک شدن افزایش می یابد و رقابت کاهش می یابد". اکثر افراد سالخورده که او با آنها مصاحبه کرد گفتند آنها رفتارهای حمایتی و دوستانه ای با برادران و خواهرانشان داشتند و خوب یا خیلی خوب با هم هماهنگ بودند. تنها ۴ درصد خیلی کم با هم کنار می آمدند. خانم گولد به این نتیجه رسید که با بالا رفتن سن مردم، آنها بیشتر به خواهران و برادران خود علاقه مند و درگیر رابطه با آنها می شوند.

Fifty-three percent of those she interviewed said that contact with their sisters and brothers increased in late adulthood. With family and career **obligations** reduced, many said they had more time for each other. Others said they felt it was "time to heal wounds." A man who had recently **reconciled** with his brother told Gold, "There's something that lets older people **put aside** the bad **deeds** of the past and focus a little on what we need now... especially when it's brothers and sister.

پنجاه و سه درصد از کسانی که او با آنها مصاحبه کرد، گفتند که تماس و ارتباط با خواهران و برادران آنها در اواخر بزرگسالی افزایش یافته است. بعد از اینکه تعهدات خانوادگی و حرفه ای کاهش یافت، بسیاری از آنها گفتند که زمان بیشتری برای یکدیگر داشتند. دیگران می گویند احساس می کنند آن مدت "زمان بهبود زخم ها" بود. مردی که اخیراً با برادرش آشتی کرده است به خانم گولد گفت "چیزی هست که اجازه می دهد افراد مسن اعمال بد گذشته را کنار بزارند و کمی بر آنچه که اکنون نیاز داریم تمرکز کنند.. به ویژه هنگامی که درباره ی برادران و خواهران هست."

Another reason for increased contact was anxiety about a sister's or brother's declining health. Many would call more often to "**check in**" and see how the other was doing. Men especially reported feeling increased responsibility for a sibling; women were more likely to **cite** emotional **motivations** such as feelings of empathy and security.

دلیل دیگر افزایش ارتباط، اضطراب در مورد کاهش سلامت خواهر یا برادر بود. بسیاری از آنها اغلب تماس می گرفتند تا بیشتر بررسی کنند و بفهمند که دیگری چگونه است. به ویژه مردان احساس مسئولیت پذیری بیشتری برای خواهر و برادر را نشان دادند؛ زنان احتمال بیشتری برای ابراز انگیزه های احساسی مانند احساسات همدلی و پشت گرمی داشتند.

Siblings also **assume** special importance as other sources of contact and support **dwindle**. "Each of us moves through life with a '**convoy**' of people who supply comfort and nurturance," says psychologist Toni C. Antonucci of the University of Michigan. As we age, the size of the convoy gradually declines because of death, sickness, or moving. "Brothers and sisters who may not have been important convoy members earlier in life can become so in old age," Gold says.

خواهران و برادران نیز اهمیت ویژه ای دارند زیرا دیگر منابع تماس و حمایت کاهش می یابد. روانشناس تونی سی آنتونوچی از دانشگاه میشیگان می گوید: "هر یک از ما در طول زندگی با یک "کاروان" از افرادی حرکت می کنیم که آسایش و عشق و توجه برایمان فراهم می کنند." همانطور که با گذشت زمان رشد می کنیم، اندازه این کاروان به تدریج به دلیل مرگ، بیماری، و یا جدایی کاهش می یابد. خانم گولد می گوید: "برادران و خواهران ممکن است اعضای مهم کاروان در اوایل زندگی نبوده باشند، ولی می توانند در سالخوردگی مهم باشند و بدرخشند."

And they do more than fill in **gaps**. Many people told Gold that the loneliness they felt could not be satisfied by just anyone. They wanted a specific type of relationship, one that only someone who had shared their past could provide.

و آنها کاری بیشتر از پر کردن شکاف ها انجام می دهند. بسیاری از مردم به گلد گفتند که تنهایی که احساس می کنند نمی تواند توسط کسی ارضا شود. آنها نوع خاصی از رابطه را می خواستند، رابطه ای که تنها کسی که گذشته خود را به اشتراک گذاشته بود بتواند آن را ایجاد کند.

This **far-reaching** link to the past is a powerful bond between siblings in later life. "There's a review process we all go through in old age to **resolve** whether we are pleased with our lives," Gold explains. "A sibling can help **retrieve** a memory and **validate** our experiences. People have said to me, 'I can remember some with my spouse or with friends. But the only person who goes all the way back is my sister or brother.'" Cicirelli agrees that reviewing the past together is a rewarding activity. "

این پیوند گسترده با گذشته پیوندی قدرتمند بین خواهر و برادرها در زندگی بعدی است.. خانم گولد توضیح می دهد: " یک فرآیند بازبینی که همه ما در دوره سالخوردگی تجربه می کنیم برای حل و فصل اینکه آیا ما از زندگی مان خوشحال هستیم، وجود دارد. خواهر و برادر می توانند در به خاطر آوردن خاطره و تایید تجربه های ما کمک کند. " مردم به من گفته اند: " من می توانم بعضی خاطرات با همسر یا دوستانم را به یاد بیاورم. اما تنها کسی که تمام راه (خاطرات گذشته) را به عقب می برد، خواهر یا برادر من است. " سیسیرلی موافق است که مرور گذشته با هم یک فعالیت ارزشمند است.

Siblings have a very important role in maintaining a connection to early life," he says. "Discussing the past **evokes** the warmth of early family life. It validates and clarifies events of the early years." Furthermore, he has found that encouraging depressed older people to **reminisce** with a sister or brother can improve their **morale**.

او می گوید: "خواهران و برادران نقشی مهم در حفظ یک ارتباط با دوران اولیه زندگی ایفا می کنند." "بحث در مورد گذشته، گرمی اوایل زندگی خانوادگی را به وجود می آورد. این، رویدادهای سال های اولیه را تایید و روشن می کند." علاوه بر این، او دریافته است که تشویق افراد مسن افسرده به حرف زدن با یک خواهر یا برادر می تواند روحیه آنها را بهبود بخشد.

Some of the factors that affect how much contact siblings will have, such as how near they live, are obvious. Others are more unexpected – for example, whether there is a sister in the **clan**. Cicirelli found that elderly people most often feel closest to a sister and are more likely to keep in touch through her. According to Gold, sisters, by tradition, often assume a caretaking and **kin-keeping** role, especially after the death of their mother.

برخی از عوامل موثر بر میزان تماس با خواهران و برادران، مثل، چقدر آنها نزدیک هم زندگی می کنند، واضح و بدیهی است. بقیه عوامل بیشتر غیرمنتظره هستند - به عنوان مثال، آیا یک خواهر در خاندان وجود دارد یا نه. سیسیرلی متوجه شد که افراد مسن اغلب نزدیک ترین حس را به یک خواهر می کنند و احتمال بیشتری دارند که از طریق او بیشتر در تماس باشند. طبق گفته خانم گولد، خواهرها، طبق سنت، اغلب به عنوان یک سرپرست و نگه دارنده خانواده، مخصوصاً پس از مرگ

مادرشان، در نظر گرفته می شوند.

"In many situations you see two brothers who don't talk to each other that much but **keep track of** each other through their sisters," she says. Researchers have found that the bond between sisters is the strongest, followed by the one between sisters and brothers, and, last, between brothers.

او می گوید: "در بسیاری از موقعیت ها، شما دو برادر را می بینید که زیاد با یکدیگر صحبت نمی کنند، اما از طریق خواهران خود از هم خبر می گیرند." محققان دریافته اند که وابستگی میان خواهران قوی ترین است و پس از آن وابستگی بین خواهران و برادران و در آخر بین برادران است.

Sisters and brothers who live near each other will, **as a matter of course**, see more of each other. But Cicirelli says that **proximity** is not crucial to a strong relationship later in life. "Because of multiple chronic illnesses, people in their 80s and 90s can't get together that easily. Even so, the sibling seems to evoke positive feelings based on the images or feelings inside. "Gold's findings support this **assertion**.

خواهران و برادرانی که در نزدیک یکدیگر زندگی می کنند، به طور طبیعی، بیشتر همدیگر را خواهند دید. اما سیسیرلی می گوید که نزدیک هم بودن برای یک رابطه قوی بعدها در زندگی خیلی مهم نیست. "به علت بیماری های مزمن متعدد، افراد در ۸۰ سالگی و ۹۰ سالگی شان نمی توانند به راحتی دور هم جمع بشوند. با این حال، خواهر و برادر به نظر می رسد احساسات مثبت را بر اساس آن خاطرات یا احساسات درونی ایجاد می کنند. یافته های خانم گولد از این ادعا حمایت می کند.

During a two-year period, contact among her **respondents** decreased slightly, but positive feelings increased. "Just the idea that the sibling is alive, that 'there is someone I can call,' is **comforting**." Although older people may find **solace** in the thought that their siblings are there if they need them, rarely do they call each other for help or offer each other **instrumental support**, such as loaning money, running **errands** or performing favors.

در طول یک دوره دو ساله، تماس بین پاسخ دهندگان او کمی کاهش یافت، اما احساسات مثبت افزایش یافت. "فقط این ایده که خواهر و برادر زنده هستند،" که کسی هست که من می توانم باهاش تماس بگیرم، آرامش بخش است." اگر چه افراد سالخورده ممکن است با این فکر که خواهران و برادرانشان اگر آنها نیازشان داشته باشند آنجا هستند آرامش پیدا کنند، آنها به ندرت برای کمک یا دادن انواع دیگر حمایت به همدیگر مانند قرض دادن پول، انجام کارهای روزمره یا لطف و مرحمت کردن، با همدیگر تماس می گیرند."

"Even though you find siblings saying that they'd be glad to help each other and they would ask for help if necessary, rarely do they ask," Cicirelli points out. Gold believes that there are several reasons siblings don't turn to each other more for instrumental help. First, since they are usually about the same age, they may be equally needy or **frail**. Another reason is that many people consider their siblings **safety nets** who will save them after everything else has failed.

سیسیرلی خاطر نشان می کند: «اگر چه شما خواهر و برادرها را می یابید که می گویند خوشحال می شوند به یکدیگر کمک کنند و در صورت لزوم از آنها کمک می خواهند، به ندرت درخواست می کنند. خانم گولد معتقد است که چندین دلیل وجود دارد که خواهران و برادران برای کمک مفید و

موثر به سمت همدیگر دیگر نروند. اول از آنجاییکه آنها معمولا در سن یکسانی هستند، ممکن است به همان اندازه نیازمند یا نحیف باشند. دلیل دیگر این است که بسیاری از مردم خواهر و برادر خود را پشتوانه‌ی امن می‌دانند که پس از شکست همه چیز، آنها را نجات خواهند داد.

A son or daughter will almost always be turned to first. It's more acceptable in our society to look up or down the family ladder for help than **sideways**. Finally, siblings may not turn to each other for help because of **latent** rivalry. They may believe that if they need to **call on** a brother or sister, they are admitting that the other person is a success and "I am a failure."

تقریباً همیشه برای کمک اول به دختر یا پسر روی آورده می‌شود. این امر بیشتر در جامعه ما قابل قبول است تا به جای درخواست از بقیه سلسله مراتب خانوادگی برای کمک دقیق بررسی شوند. در نهایت، خواهر و برادر به دلیل رقابت موجود، ممکن است سمت هم برای کمک نروند. آنها ممکن است باور کنند که اگر آنها نیاز به تقاضا از یک برادر یا خواهر داشته باشند، آنها می‌پذیرند که دیگری موفق است و "من شکست خورده‌ام."

Almost all of the people in Gold's study said they would rather continue on their own than ask their sister or brother for help. But she found that a crisis beyond control would **inspire** "a **rallying**" of some or all siblings around the brother or sister in need."

تقریباً همه افراد در تحقیق خانم گولد گفتند که ترجیح می‌دهند خودشان کار خودشان را انجام بدهند تا از خواهر یا برادر خود برای کمک تقاضا کنند. اما او متوجه شد که یک بحران خارج از

کنترل، الهام بخش "دوره هم جمع شدن" برخی یا همه خواهر و برادرها در اطراف برادر یا خواهر نیازمند است.

Despite the **quarreling** and competition many people associate with the **mere** mention of their sisters and brothers, most of us, Gold says, will find "unexpected strengths in this relationship in later life."

به گفته گلد، علیرغم مشاجره و رقابتی که بسیاری از مردم صرفاً نام خواهر و برادرشان را ذکر می کنند، بیشتر ما "نقاط قوت غیرمنتظره ای را در این رابطه در زندگی بعدی پیدا خواهیم کرد".

New word: English explanation / معنی فارسی

For better or for worse: through good times and bad times/ خوب یا بد

Drift apart: get carried along, grow apart, get further away from, stay at a distance/ کم کم از هم جدا شدن، کم کم با هم غریبه شدن

Affinity: a strong sense of liking; a natural attraction or sympathy/ نزدیکی،

پیوستگی، وابستگی، قوم و خویش سببی

Intimate: characterized by a very warm friendship or very close personal relationship/ مانوس، محرم، محبوب، صمیمی، خودمانی

Former: occurring in or pertaining to the past; previous/ تشکیل دهنده، قالب گیر،

سابقی، دارای انتای مربع، در جلو، پیشین

Break up: to break or be broken/ end a romantic or friendly relationship / تفکیک

کردن، تجزیه، بهم زدن رابطه

Bond: something that connects or confines/ دل بستگی، قرارداد، رابطه

Apiece: for or from each one; each/ هر کدام، برای هر شخص

Rift: a crack or fissure made by breaking, splitting, or separating/ اختلاف، جدایی ،

دریدگی، چاک، بریدگی

Hostile: of or relating to an enemy or antagonist/ دشمن، غیر دوستانه ، ضد

Range: the extent or limits of possible variation/ محدوده، رسایی، چشم رس، تیر رس

Inheritance: money, property, position, or the like, that is or may be inherited through a will or legal succession/ وراثت، ارث بری، ارثیه

Dispute: quarrel, disagreement, argument/ ستیزه، مشاجره، مناظره

Animosity: strong dislike or active hostility/ دشمنی، خصومت

Estrangement: alienation, disaffection, hostility; separation/ غربت ، بیگانگی

Festering: full of pus, inflamed/ چرکی، چرکین

Lingering: continuous, prolonged(especially of an illness); enduring/ پیوسته، دائمی

Disassociate: separate, sever, break oneself free from, cut off communication with/ جدا کردن، مجزا کردن، همکاری نکردن

Mate: a marriage partner; husband or wife/ دوست، شاگرد، همسر

Advance: to move or send forward/ پیشرفت، سبقت، پیش برداخت

Diminish: make smaller, reduce; become smaller/ کم شدن، خرد شدن

Amicable: characterized by good will; friendly/ دوستانه، دوست داشتنی

Obligation: the act of binding oneself legally or morally to do or to refrain from doing something; contract/ وظیفه، فرض، تعهد، عهده

Reconciled: restore friendly relations between/ آشتی کردن، آشتی دادن

Put aside: to save for a future time/ ذخیره کردن، برای روز مبادا گذاشتن، دور انداختن

Deeds: an act, exploit, or accomplishment/ عمل، فعل، کار، سند

Check in: to register at a hotel, conference, or the like/ نام نویسی کردن

Cite: to refer to and acknowledge (a source) in writing or speaking/ گفتن، ذکر

کردن، اتخاذ سند کردن

Motivation: incentive, drive; act or process of motivating; inspiration/ محرک،

انگیزش، انگیزه

Assume: to suppose (something) to be true without evidence; take for granted/

فرض کردن، وانمود کردن، بخود بستن، گرفتن

Dwindle: diminish, decrease, wane, fade, peter out/ کم شدن، خرد شدن، خرد ساختن،

تحلیل رفتن

Convoy: to go with and protect, esp. by an armed force or ships/ کاروان، قافله، بدرقه،

همراه رفتن، بدرقه کردن

Gap: a space or opening made by or as if by breaking or separating/ وقفه، شق، دهنه،

رخنه، شکاف

Far-reaching: extensive, comprehensive, having a wide range or effect/ فراگیر

Resolve: to reach a firm or final decision about, or cause one to reach such a decision/ عمد، تصمیم، عزیمت کردن، رای دادن، مقرر داشتن

Retrieve: to bring or get back; regain; recover/ جبران کردن، حصول مجدد، پس گرفتن

Validate: to prove valid or acceptable; verify/ معتبر ساختن، قانونی کردن

Evoke: to call forth or bring out (an image, memory, response, or the like) in the mind or in action/ احضار کردن، بیرون کشیدن، بر گرداندن

Reminisce: to recall past experiences, often with fondness or pleasure/ بخاطر

آوردن، یادآوری کردن

Morale: emotional state; spirit, mood/ دل گرمی، روحیه، روحیه جنگجویان

Clan: among the Scottish Highlanders, a traditional basis of social organization, composed of a group of families claiming a common hereditary ancestor/ قبیله،

خاندان، طایفه، خانواده

Kin-keeping: Kin keeping is the act of maintaining and strengthening familial ties.

Keep track of: to stay informed about/ زیر نظر گرفتن چیزی، دنبال کردن

As a matter of course: something which is obvious, something to be expected/

طبق روال معمول، طبیعتاً، خود به خود

Proximity: the condition, quality, or fact of being near or close; nearness/

مجاورت، نزدیکی، نزدیک بودن

Assertion: a declaration or statement, often without support or proof/ تاکید، مدعی،

اعلامیه، اعلان، آگهی

Respondent: responding or replying/ پاسخ دهنده، جواب دهنده، پاسخگو

Comforting: serving or intending to relieve grief, worry, or other distress/ آرامش

دهنده، آرامش بخش

Solace: comfort or consolation in times of sorrow or suffering/ مایه تسلی، آرامش

Instrumental: serving as an agent or partial cause/ وسیله ساز، سودمند، قابل

استفاده

Support: to bear (a weight or load)/ پشت، تقویت، پا، کمک، طرفداری

Errand: a quick journey or side trip taken to fulfill a particular purpose/ ماموریت،

فرمان، ارجاع

Frail: weak or sickly/ سست، نازک، شکننده، زود گذر، گول خور

Safety net: a large net suspended beneath circus aerialists in case of a fall/ تور

ایمنی، تضمین

Sideway: A path or way diverging from or to the side of a main road/ فرعی، غیر

مستقیم، از پهلو، یک طرفه

Latent: present but not yet apparent, developed, or operative/ پنهان، نا پیدا، نهفته،

پوشیده

Call on: visit; call upon; ask a person for an answer in class/ 1- (مختصراً) ملاقات

کردن، به دیدار رفتن ۲- در خواست کردن، دعوت (به صحبت یا عمل) کردن

Inspire: to arouse feelings of exaltation in/ الهام بخشیدن

Rallying: motor rallying is a sport in which cars are driven in timed stages over public roads/ بها دادن، بالا بردن قیمت، همگام شدن، متحد شدن

Quarreling: inclined to to quarrel/ جنگ، نزاع، دعوا

Mere: only, just; merely; not more than/ فقط، دریاچه

New Word	Synonym	Antonym
Inspire	move	
Latent	dormant, immanent, quiescent	patent
Frail	delicate, weak	able-bodied, hearty, robust, rugged, strong, sturdy, vigorous
Errand	task	
Support	bear, carry	
Instrumental	operative	
Solace	comfort, consolation	
Comforting	quiet	formidable, heartbreaking
Assertion	allegation, avouchment	
Proximity	closeness, nearness, propinquity	distance
Keep track of	follow, watch	
Clan	family	

Reminisce	recollect	
Evoke	conjure up, draw	
Validate	authenticate, confirm, establish, substantiate, verify	disprove, invalidate
Retrieve	recover, regain	
Resolve	decide, determine	
Gap	aperture, breach, chasm, crack	
Convoy	accompany, attend, defend, escort, guard, protect, safeguard	
Assume	presume, presuppose, suppose	
Cite	invoke, mention, refer to	
Deed	accomplishment, achievement	
Put aside	leave, reserve, save	
Obligation	agreement, commitment	
Amicable	affable, amiable	
Advance	assert, drive, forward, impel	back, delay, reverse, stay, stop

Mate	helpmate, partner, spouse	
Animosity	animus, antagonism, bad blood	
Inheritance	legacy, portion	
Range	continuum, gamut	
Hostile	enemy, inimical, opposing	allied, peaceful
Rift	chink, cleft, fissure, fracture	
Apiece	all, severally, each	
Bond	bind, chain, connection	
Former	bygone, earlier, erstwhile, past, previous, prior	current, latter, new
Intimate	affectionate, bosom, dear, familiar, warm	casual, cold
Affinity	liking, penchant	antipathy, aversion, dislike